

ساز، پارگی مهرربان و همدمی لایقی

محمدصادق فدایی فرد



تا یار که را خواهد و میلش به که باشد ...
این جمله ناخود آگاه بر زبانم جاری می‌شود، هرگاه که به عکس مردی می‌نگرم که در توصیفش نمی‌دانم چه باید بگویم. نمی‌دانم آیا باید چیزی گفت؟ آیا می‌توان کلامی را جست که بتواند از عهده توصیف حس و حال درونیم برآید؟

بزرگ مردی که محبوب دل همگان بود. هر که او را دیده بود مخلص بی‌چون و چرایش بود. برای دیدن او کافی بود که مهمان او بشوید. خانه‌ای از کاهگل، ساده و بی‌آلایش چونان دل صاحب خانه. بزرگ مردی بزرگوار، افتاده، عزیز، مهربان و دوست داشتنی، ساده و صاف دل. او مصداق آیه «الا بذکر الله تطمئن القلوب» بود. آرام دلی بود که در دل‌ها آرامش می‌افکند. روح را صیقل می‌داد. کافی بود تا بر چهره پر مهرش نظری بیاندازی، دلت را می‌ربود ...

حاج قربان سلیمانی، مردی از تبار خراسان. پیری سالخورده با دلی جوان و شاداب. او آخرین حلقه زنجیره بخشی‌ها بود. فصل آخر کتاب آن عاشقان دل سوخته، و حقیقتاً هم چه فصل الختام زیبایی. حاج قربان در سال ۱۲۹۹ در روستای علی‌آباد قوچان به دنیا آمد. او از دوران کودکی، دوتار را نزد پدرش حاج رمضان، که خود از بخشیان بنام شمال خراسان بود، آموخت. در غیاب پدر فقید خود در محضر بخشیان دیگر همچون بخشی خان محمد قیطانی، بخشی عیوض و بخشی غلامحسین جعفرآبادی حاضر شد. در فرهنگ اقوام شمال خراسان و ترکمن، بخشی که در زبان ترکمن به آن «باغشی» می‌گویند، جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد. این‌طور نیست که هر کس دوتار دست گرفت بخشی می‌شود. جایگاه بخشی، آن جایگاهی نیست که هر کس بر آن تکیه زند. در فرهنگ مردمی شمال خراسان، بخشی کسی است که خداوند به او موهبتی بخشیده است. مقام بخشی با زحمت و سیر و سلوک و مراقبت روحانی احراز می‌شود. بخشی حال و هوایی دارد ورای حال و هوای دیگران. شوری عارفانه در سر دارد و دلش از نور آتشی که در جانش شعله می‌کشد روشن است. بخشی عاشقی دل سوخته است. همان دلی که گویند، گر بسوزد خانه دلبر شود. بخشی راوی فرهنگ شفاهی مردم خطه شمال خراسان و گرگان است.

بخشی‌ها بداهه می‌سرودند و بداهه می‌نواختند و دارای

توانایی نواختن برای مدت طولانی بودند. از قدیم **بخشی‌ها** در مراسم شادی و یا عروسی حاضر میشدند و ساز می‌نواختند و می‌سرودند و میخواندند، و حضور بخشیان در مجالس عزا مرسوم نبوده است.

حاج قربان، آن استاد بی‌دل چیره دست، در خانه‌ای از کاهگل زندگی می‌کرد. خانه‌ای که استاد بلند آوازه ایران، جناب استاد شجریان، در آن به ملاقات آن پیر خراباتی رفت. لباسی ساده، چهره‌ای مهربان، لبخندی از سر مهر، دستانی زبر و زحمت کشیده و گرم، چشمانی نافذ، قلبی پر از عشق، آرامشی الهی، همه و همه از صفات حاجی بود. آن زمان که دست بر ساز می‌برد، بنا به فرموده خود او «وقتی ساز می‌زنم سازم دیگر ساز من نیست، من ساز منم. ساز با من حرف می‌زند. می‌گوید حالا بزنی یا نزن. وقتی ساز می‌زنم سیم‌هایش زنده می‌شود. کار، کار عشق است.»

درباره حاج قربان گفتنی زیاد است و توان بیان تمام آنها از عهده این حقیر خارج، اما زیبایی‌هایی در حیات این بزرگوار پدید آمده که دل را در گرو خود نگه میدارد. گویند آن زمان که حاج قربان از سفر خانه خدا باز می‌گردد، به نصیحت ناپهچای منتشرعی ظاهر بین، که حالا که از سفر حج آمده‌ای ساز را کنار بگذار که حرام است، ساز را از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۶۶، به مدت بیست سال، کنار می‌گذارد. خود او نقل کرده است که «آن زمان که ساز را کنار گذاشتم تا دو سال مریض بودم». تا اینکه فردی به او می‌گوید: «صدای ساز تو انسان را به خدا نزدیک میکند. یاد خدا را در دل‌های مرده بیدار می‌کند. ساز برای تو به فتوای امام محمد غزالی نه تنها حرام نیست بلکه واجب است.»

آن زمان می‌شود که حاج قربان، گوشه‌ای از گنج بی‌انتهای هنر ایران زمین را به تمام دنیا می‌نمایاند. از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ در جشنواره موسیقی فجر به عنوان نوازنده برتر شناخته می‌شود و تا ۱۲ سال داور ثابت جشنواره موسیقی مقامی کشور باقی می‌ماند. در جشنواره موسیقی لیون فرانسه مقام اول را کسب نمود. در جشنواره اوینیون فرانسه عنوان «پدیده» را به خود اختصاص داد و به عنوان ستاره جشنواره شناخته شد. همچنین نشان درجه ۲ فرهنگ و هنر را از رئیس جمهور وقت دریافت نمود و عنوان «گنجینه ملی» را از آن خود ساخت.

درخت توتی که دور از آب روییده باشد ساخته شود. روی صفحه سوراخ هایی جهت بالا بردن طنین صدای ساز ایجاد می شود، که این کار در ساختمان تمام سازهای زهی مضرابی به جز تار، رایج است. تعداد پرده های ساز شمال خراسان در همه جا یکی نیست و بسته به سلیقه نوازنده بین ۱۰ تا ۱۲ دستان دارد، که البته ۱۲ دستان چندان رایج نیست. فاصله دستان ها از هم بین ۱۰ تا ۱۴ میلیمتر است مگر دستان اول که فاصله آن از شیطانک ۵ سانتی متر است. دستان اول را « شاه پرده » و دستان دوم را « پرده نوایی » می گویند. طول این ساز تقریباً ۱ متر است. زیر کاسه ساز، سوراخی تعبیه شده است که به اعتقاد حاج قربان، هم هوای داخل کاسه را تخلیه میکند و هم بر کیفیت صدا دهی ساز اثر میگذارد. سیم ها از پشت کاسه به سیم گیر متصل است و پس از پیمودن طول ساز، به گوشی ها که برای کوک کردن ساز ساخته شده اند متصل میشوند. در قدیم به جای سیم از تار ابریشم استفاده میشده است. برای سیم بم هشت لا، و برای سیم زیر شش لا، تار ابریشم را می تاباندند. به فرموده حاج حسین یگانه، بهترین نوع صدا دهی ساز استفاده از تار ابریشمی است چرا که تار ساز نیز باید از جنس ساز، از درخت توت باشد.

کوک دو تار خراسانی بر دو نوع است، اولی فاصله چهارم و دومی فاصله پنجم. که با کوک نخست، که به کوک ترکی یا نوایی معروف است، مقام هایی مثل گرایلی، شاختا، نالش، دوست محمد و غریب نواخته میشود. با کوک دوم که به کوک کردی معروف است، مقام هایی مانند الله مزار، لوه، درنا و جعفر قلی را می نوازند.

مقام های دوتار فهرست وار عبارتند از: هرای، لوه، الله مزار، انارکی، دو قرسه، جبار خان، لوریکی، رشید خان، چیلان، نالش، حاج قوقلو، شاختا، نوایی (که به آن حریف کش یا شاه مقام نیز اطلاق میشود)، طرقة، دوست محمد، مقام جل، اشترخجو (که با نام مقام ساریان و مقام شتر نیز شناخته می شود) که خجو کردن شتر به معنی شیهه کشیدن می باشد، گرایلی، درنا، جعفر قلی، ذوالفقاری و غریب.

گفتنی بسیار است و مجال راندن کلام اندک. این مختصر گوشه های بود از دنیای پهناور موسیقی این اقلیم، که خود پاره تن سرزمینمان ایران است. باشد تا عطشی برای دانستن بیشتر در ما ایجاد کند تا به کند و کاو و پویش در پیشینه و داشته های خود بپردازیم. امید است که با اهمیت بیشتر به موسیقی مقامی، این گل زیبا و یادگار را، از گزند و آسیب گذر زمان حفظ نماییم.

تا یار که را خواهد و میلش به که باشد ...



شرکت خدمات مسافرتی

اطلس (عضو یاتا)

شماره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

بیش از چهار دهه سابقه خدمت



خیابان میرداماد، میدان مادر (محسنی)، خیابان شهید شاه نظری
پلاک ۴۱. صندوق پستی: ۱۹۹۱-۱۴۱۵۵
تلفن: ۲۲۲۲۱۰۳۶ - ۲۲۲۷۰۰۶۱ - ۲۲۲۷۰۰۶۲
فاکس: ۲۲۲۷۰۰۶۳

حاج قربان در کنسرت هایی در ایران و خارج از ایران شرکت کرد و یک آلبوم از آثار او منتشر شد. وی همچنین به کشورهای بسیاری مانند پرو، هلند، تونس، ترکیه، بلژیک، انگلستان، سوئیس، کلمبیا، اکوادور، پاناما، فرانسه و چند شهر آمریکا نیز سفر کرد. او به سه زبان ترکی، فارسی و کردی شعر می سرود و آواز می خواند. او اعتقاد راسخی به موسیقی مقامی داشت. در زمانی که عده ای از تهران به خدمت ایشان رسیدند تا وی را برای اجرای موسیقی «محلی» دعوت کنند، حاجی از دست آنها رنجید و در جواب گفت: «آقا این حرفها چیه؟ چرا با فرهنگ و حیثیت مردم بازی می کنید؟ موسیقی محلی یعنی چه؟ این موسیقی مقام است و مقام مادر آهنگها می باشد»

در حقیقت اطلاق موسیقی محلی به موسیقی مقامی ما، از ارزش این هنر میکاهد و بعضی از هنر دوستان و مدعیان هنر و موسیقی، عجیب در محلی خواندن این موسیقی مقامی یا فشاری می کنند، که این خود برای این حقیر جالب است، چرا که استان خراسان یکی از مهدهای موسیقی باستانی ایران است و موسیقی در این سرزمین قدمتی بسیار زیاد دارد، و حالا که باید از این موسیقی، موسیقی مقامی، به عنوان پایه و اساس و بن موسیقی ایرانی یاد شود، این موسیقی را محلی، حقیر، ناقص و ناچیز می خوانند!

بسیار موسیقی دانان را دیدم که چون موسیقی مقامی فاقد نت های امروزی می باشد، این موسیقی را به چشم حقارت می نگرند. اما آنگاه که نام بزرگانی چون استاد حاج قربان سلیمانی، استاد عباسقلی رنجبر، استاد حاج حسین یگانه، استاد خلیفه نظری محجوبی، استاد آلیاقلی یگانه، رمضان سلمانی بردری، آئی محمد یوسفی و آراز مراد آرخو وسطی می آید این صاحب نظران سکوت میکنند! اخیراً با استادی بر سر این مطلب گپی می زدیم، فرمودند موسیقی مقامی ناقص است. عرضه داشتم چطور شد که نماینده همین موسیقی به قول شما ناقص، مرحوم حاج قربان سلیمانی، تمام عرصه های موسیقی دنیا را در آنی فتح کرد و این موسیقی ای را که شما سنگش را به سینه می زیند را به زانو در آورد؟ آیا حاج قربان در جلگه همین موسیقی از دید شما ناقص، پرورش نیافته است؟ آیا این دلیل بر این نیست که این اسلوب و روش توانایی پرورش چنین پدیده هایی را دارد؟

بسیاری از بزرگان و سرمایه های موسیقی مقامی خراسان شمالی و خراسان جنوبی و ترکمن صحرا از دار دنیا رخت بر بسته اند، اما پهلوانان زنده را عشق است. دو تار نوازان خراسانی و ترکمن، که طنین ناب این ساز بی مانند را در دشت ها و کوه های سرزمین خراسان و ترکمن صحرا می گسترانند. اینان رزم آوران فرهنگ ما هستند. فرهنگی که حتی گاهی خود ما ندانسته تیشه بر ریشه آن می زنیم.

پس از حاج حسین یگانه که در سال ۱۳۳۳ این جهان فانی را به قصد دنیایی دیگر ترک کرد، حاج قربان سلیمانی، ساز خود را در سال ۸۵ به پسر بزرگوار خود، جناب علیرضا سلیمانی، هدیه نمود، وی نیز در روز یکشنبه ۳۰ دی ماه سال ۱۳۸۶ به دیار باقی رهسپار شد و ساز و همدم و یار دیرینه خود را تنها گذاشت. دو تار سازبست که ساده و بی آرایش است. اما آنچه که بیان می کند، انسان را به شگفتی و آ می دارد چرا که با این دو تا سیم ساده و چند دستان، مگر تا چه حد می توان شگفتی آفرید.

وجه تسمیه این ساز را بر سه قسم دانسته اند. یکی به دلیل داشتن دو تا تار به آن دوتار می گویند و دیگری آنکه چون ساز از چوب توت ساخته میشود، در قدیم به آن «توتار» گفته میشده است. بر اثر مرور زمان و گویش عامیانه، به دوتار تبدیل شده است. از طرفی دیگر در کتاب «الموسیقی الکبیر» فارابی، آمده است که بعد از به وجود آمدن سه تار برای جدا ساختن این سازها از هم، تنبور خراسانی را «دوتار» خواندند.

در اقوام ترکمن، دوتار را «تامدیرا» می خوانند. دلیل این نام گذاری از روش ساختن دوتار است. سازنده دوتار، ابتدا چوب درخت توت را در سایه می خواباند و سپس در گرمای تنور آن را خشک میکند. در زبان ترکمن، تامدیر به معنی تنور است و تامدیرا به معنی «در تنور پخته شده» است.

درباره دوتار و نحوه پیدایش آن افسانه های متفاوتی وجود دارد، که یکی از آنها به قنبر (باباقنبر اصطلاح محلی) خدمتگزار حضرت مولا علی (ع) باز میگردد و روایت شده است که بابا قنبر اولین دوتار را ساخته است.

دوتار انواع متفاوتی دارد. در شمال خراسان، جنوب خراسان، ترکمن صحرا و مازندران ساختمان آن کمی متفاوت است. کاسه ای نیمه گلابی شکل دارد. کاسه و صفحه دوتار شمال خراسان از چوب توت و دسته آن از چوب زردآلو، گردو و گاهی هم از عناب ساخته میشود. به گفته استاد فقید حاج حسین یگانه باید از چوب درخت توت خانه ریز، یعنی